

فستیوال

● گفتگو با حسین سلیمی

● گفتگو با بهزاد صدیقی

● نمایش میدانی

● دربارهٔ پانزده جشنواره فجر



● خبر کانون ملی منتقدان

● یادداشتی از حسین پاکدل

● برنامه امروز جشنواره

● حلوا دهلم شیرین

● جدول برگزاری جلسات نقد و بررسی

ویژه شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر

تهران ۱۷ تا ۲۷ بهمن ۱۳۷۶

THE 16th FADJR THEATRE FESTIVAL



درباره

پانزده جشنواره

تئاتر فجر

سید وحید ترحمی مقدم

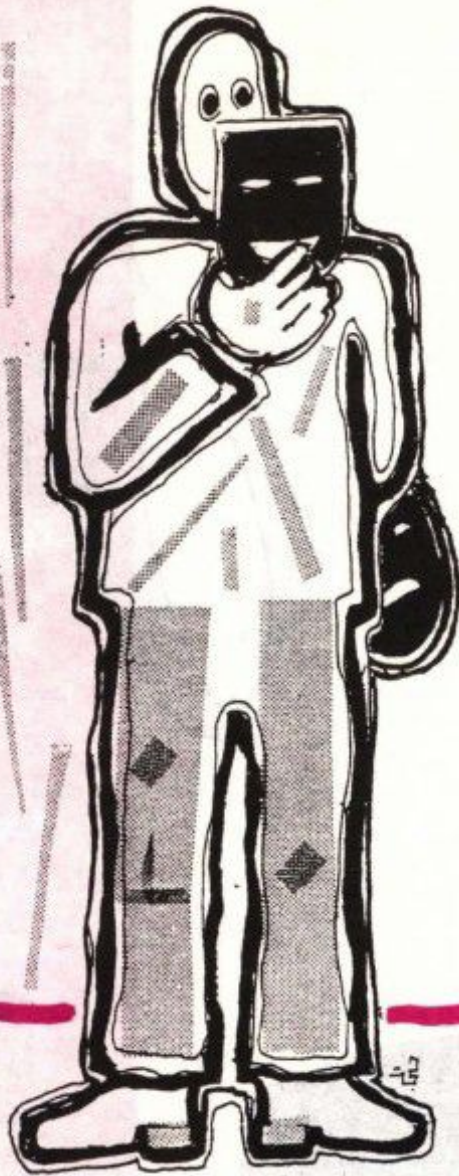
بخش ۱

در چهارمین سالگرد انقلاب اسلامی «سال ۱۳۶۱» و با تشخیص نقش سازندگی و پویایی هنر تئاتر، اولین جشنواره تئاتر در دهه پیروزی انقلاب اسلامی با نام «فجر» شکل گرفت. با نگاهی اجمالی، بر چگونگی شکل‌گیری و تداوم جشنواره، مروری بر چگونگی برگزاری پانزده دوره گذشته آن خواهیم داشت تا در آستانه شانزدهمین جشنواره، از پیشینه آن مطلع گردیم. این مجموعه در ده بخش به این مقوله پرداخته، جشنواره‌ها را به ترتیب مورد بررسی قرار داده و اطلاعات آماری مورد لزوم را در اختیار خوانندگان قرار خواهد داد.

«جشنواره اول»

نخستین جشنواره سراسری تئاتر فجر، به مناسبت چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از دوازدهم الی بیست و دوم بهمن‌ماه، در ۱۴ سالن تئاتر تهران برگزار گردید.

تالارهای: سنگلج، دانشکده هنرهای زیبا، مولوی، وحدت، فردوسی (دانشگاه تهران)، محراب، موزه هنرهای معاصر، فرهنگسرای نیاوران و نوبهار، خانه نمایش و مجموعه تئاترشهر (سالن‌های اصلی، چهارسو، قشقایی و شماره ۲) محل اجرای نمایش‌های اولین دوره جشنواره بوده و بیشترین حجم تئاترهای این جشنواره را، شهرستانهای شرکت‌کننده به خود اختصاص داده بودند. طی این جشنواره در مجموع ۴۲ گروه شرکت‌کننده، در ده روز آثار خود را بروی صحنه‌ها در معرض دید عموم قرار دادند.



در برگزاری اولین جشنواره سراسری تئاتر فجر، که همزمان با اولین جشنواره فیلم فجر برگزار گردید. معاونت وقت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی «سیدکمال حاج‌سیدجوادی» مسئولیت برگزاری هر دو جشنواره تئاتر و فیلم را عهده‌دار بود و مسئولیتی به نام «دبیر جشنواره» به شکل فعلی در اولین جشنواره کاربرد نداشته و مطرح نگردید. و به همین دلیل، مراسم افتتاحیه هر دو جشنواره نیز در یک روز و یک مکان برگزار گردید.

اولین جشنواره، به شیوه مسابقه برگزار گردید و قبل از اعلام برترین‌های جشنواره، بنا به صلاحدید هیأت داوران، کلیه گروه‌ها به دلیل «تلاش خالصانه در جهت احیای هنر اصیل ایرانی»، دیپلم افتخار دریافت نموده و سپس برترین‌های جشنواره معرفی گردیدند.

نمایشنامه‌خانات به نویسندگی و کارگردانی «رضا صابری» از مشهد، مدال مخصوص بهترین کارگردانی را به خود اختصاص داد و نمایشنامه‌های «دیوارها را پاک نکنیم» نوشته و کار «منصور اویس» از مازندران و «دقیانوس» به کارگردانی احمد سپاسدار و حسن زارعی، به ترتیب بعد از نمایش خانات، مدال مخصوص و لوح

مخصوص را به خود اختصاص دادند.

ویژگی‌های قابل‌ذکر در برگزاری نخستین جشنواره:

الف: از مجموع ۴۲ نمایش شرکت‌کننده، تنها ۹ نمایش از تهران حضور داشتند و ۳۳ نمایش متعلق به هنرمندان شهرستانی بودند.

ب: علی‌منتظری که بعداً ریاست مرکز هنرهای نمایشی را عهده‌دار گردید، مدیریت روابط عمومی اولین جشنواره را عهده‌دار بود.

ج: بروجردی قائم‌مقام وزارت ارشاد اسلامی، در مراسم اختتامیه اولین جشنواره طی سخنانی، با اشاره به برگزاری اولین جشنواره گفت: این اولین بار است که در تاریخ ایران جشنواره‌ای به این‌گونه، با این خصوصیات در زمینه تئاتر برگزار می‌شود.

د: بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی، جهاددانشگاهی، روزنامه کیهان، بنیاد شهید، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جهاد سازندگی، در برگزاری اولین جشنواره، همکاری مستمر داشتند.



تئاتر باید در زندگی مردم جاری باشد

گفتگو با آقای سلیمی

رئیس مرکز هنرهای نمایشی

می‌توان تقویت کرد و به نوعی جشنواره فجر نقطه آغاز یک حرکت عمومی در تئاتر کشور می‌شود برای سال آینده، به نوعی جشنواره فجر محل ارزیابی و تعیین چشم انداز آینده تئاتر کشور می‌شود.

● ارزیابی شمابه عنوان یک ایرانی از پانزده سال اخیر جشنواره فجر چیست؟ چون شما در سال‌های قبل مسئولیتی در تئاتر کشور نداشتید ولی با تعریفی که شما می‌کنید قاعدتاً باید به بسیاری از اهداف خود رسیده باشد ولی می‌دانید که نرسیده است.

سلیمی - من نگفتم جشنواره فجر تا حالا این گونه بوده است بر اساس نظریه سوم بوده، من عرض کردم که می‌شود بر اساس این تعاریف جشنواره برگزار کرد. در یک دوره‌ای به جشنواره واقعاً به عنوان جشن تئاتری‌ها نگاه می‌شده است، نه رقابتی بوده، نه ارزیابی‌ای، نه مسابقه‌ای و نه حضور بهترین‌های تئاتر کشور. در بعضی از دوران‌ها این گونه بود و در بعضی دوران‌ها هم چنین نبود. البته شما در نظر بگیرید که جشنواره تنها محل ارزیابی و تنها محل برنامه ریزی نیست بلکه محلی است برای این کار، حتی در فستیوال‌های سینمایی هم کلیه برنامه ریزیها و ارزیابی‌ها درباره آثار ارائه شده در یک فستیوال انجام نمی‌شود. ولی فستیوال کارکرد خودش را در آن زمینه انجام می‌دهد. اینکه ارزیابی از تئاتر کشور چیست؟ اجازه بدهید به عنوان سؤال جداگانه بعداً پاسخ بدهم چون با بحث جشنواره مخلوط

هنرمندان تئاتر متعهد هستند و این ایام برایشان گرامی است. نظریه سوم وجود دارد که جشنواره تئاتر فجر به نوعی برآیند یک سال فعالیت تئاتری است یعنی ما باید سیمای تمام نمای تئاتر کشور را در جشنواره فجر ببینیم. یک سال فعالیت تئاتری انجام شده است و در این یک سال یک برنامه ریزی هم برای سال آینده انجام شده است مانتیجه فعالیت‌هایی را که در گذشته انجام شده و طلوعه برنامه‌هایی را که می‌خواهد در آینده انجام شود در جشنواره فجر می‌بینیم این برآیند را در ایام انقلاب برگزار می‌کنیم و نشان می‌دهیم به این دلیل که معتقدیم که این ایام، ایام مقدسی است، ایام بزرگی است. پس در این دیدگاه سوم و به نوعی در دیدگاه دوم جشنواره فجر، علاوه بر بزرگداشت درباره انقلاب یک کارکرد مشخص هم دارد که در دیدگاه دوم نمونه سازی است و ارائه نمونه‌ها و بهترین‌ها. در دیدگاه سوم به نوعی ترسیم و آینه تمام نمای تئاتر کشور است درباره آنچه که در گذشته انجام شده است و آنچه که می‌خواهد در آینده انجام شود.

● یعنی فکر می‌کنید جشنواره‌ها در توسعه و اطلاع رسانی تئاتر کشور تاثیر دارد؟

سلیمی - قطعاً یعنی اگر ما روی نظریه سوم تاکید و پافشاری بکنیم توان کارهای گروه‌های مختلف استعداد‌های مختلف مشخص بشود، نقاط ضعف و نقاط قوت مشخص بشود همچنین در کنارش مابرسیه‌های کارشناسی داشته باشیم که آن نقاط ضعف را چگونه می‌توان برطرف کرد. آن نقاط قوت را چگونه

● چون این مصاحبه خاص بولتن جشنواره تئاتر فجر است لطفاً ضرورت جشنواره را برای ما بیان کنید چه جشنواره فجر و چه دیگر جشنواره‌ها که در حال حاضر برگزار میشود؟

سلیمی - بسم الله الرحمن الرحيم، من فکر می‌کنم که بهتر باشد فعلاً درباره جشنواره فجر صحبت کنیم چون اصلی‌ترین جشنواره ما است بعضی دیگر از جشنواره‌ها نیز در ارتباط با این جشنواره است. در کل من فکر می‌کنم چند نظریه راجع به برگزاری جشنواره‌ها هست. تا به حال هم که جشنواره برگزار شده، معمولاً بر اساس یکی از این نظریه‌ها بوده است. یک نظریه این است که جشنواره همانطور که در اسمش هم هست، اگر تلقی مایک تجربه یا «فستیوال» نباشد فقط یک جشن است که به مناسبتی اهالی هنری جمع می‌شوند و به مناسبتی مثل مناسبت بزرگداشت انقلاب جشن می‌گیرند. این جشن را با ارائه بهترین نمایش‌های خود انجام می‌دهند و برگزار می‌کنند. پس جشنواره تئاتر به معنی جمع شدن اهالی هنر تئاتر برای بزرگداشت یک رویداد است. این یک تلقی است از برگزاری جشنواره فجر.

یک تلقی دیگر این است که جشنواره فجر به نوعی نمایانگر کارهای عمده‌ایست که خوب است در تئاتر کشور صورت بگیرد. یعنی کارهای نمونه‌ای که در تئاتر کشور باید انجام شود، در جشنواره فجر به نمایش درمی‌آید. منتهی این فعالیت به مناسبت ایام انقلاب صورت می‌گیرد که هم نشان دهنده این است که



می‌شود. ولی من فکر می‌کنم اگر ما این‌گونه جشنواره برگزار کنیم، خود نفس برگزاری جشنواره نقطه مناسبی برای این ارزیابی ما و ماده مناسبی برای برنامه ریزی آینده خواهد بود.

● حالا بفرمائید تلقی شما از اوضاع تئاتر کشور چیست؟ یعنی اوضاع کنونی تئاتر کشور.

سلیمی - بله به نظر من در سالهای گذشته ما هم فعالیتهای مثبت و موثر داشتیم و هم به نوعی به خصوص در چند سال گذشته یک نوع سرگشتگی داشتیم، منظورم از این دو بیان ظاهراً متناقض این است: ببینید در بعد از انقلاب بسیاری از فعالیتهای نمایشی که آلوده به یک سری از مسائل ضد ارزشی در قبل از انقلاب بود پالایش شد، استعدادهای خالص تئاتری، کسانی که نمایش را به عنوان تجلی فعالیت خلاق انسانی و یک هنر ناب که می‌تواند نقش موثر جهانی داشته باشد می‌دیدند باقی ماندند. آنها با این ایمان آمدند با انگیزه‌های فراتری کار نمایش را آغاز کردند موفقیت‌های بسیار خوبی هم در بعضی از این زمینه‌ها داشتند. دوران‌های شکوفائی هم ما در سالنهای نمایش کشورمان دیدیم منتها رونق هنر نمایش به چند دلیل بعد از مدتی دچار مشکل شد. این بنظرم بر خواسته از بینشی بود که بطور کلی در تئاتر وجود داشت پاسخ یک سؤال اساسی نزد بعضی از مسئولین ما خیلی روشن نبود آن سؤال این بود که آیا ما تئاتر می‌خواهیم؟ آیا تئاتر باید هنری باشد که در بطن زندگی مردم جاری باشد، یا نه یک هنری است که بصورت یک ویتترین می‌تواند در یک سالن و یا یک گوشه‌ای اجرا شود و هنرمندان بیایند حرف خود را بزنند، مخاطبان محدودی هم حرف آنها را بشنوند و بعد هم بروند دنبال کار خودشان و اصلاً لازم نیست که در بطن زندگی اجتماعی مردم جاری بشود و این تردیدها باعث شد که از دادن امکانات دریغ شود، چه امکانات مالی، چه امکانات غیر مالی مثل سالن و چیزهای دیگر. همچنین بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها در هاله‌ای از ابهام بود. در نتیجه بسیاری از تئاتری‌ها که تئاتر را بعنوان محفلی برای فعالیت مستمر هنری که هم زندگی مادی آنها را تامین کند و هم

به اصطلاح آن عنصر خلاقه موجود در وجودشان را ارضا بکنند، دیگر نگاه نکردند. بسیاری از هنرمندان تئاتر علیرغم میل باطنی خود سوق داده شدند به سمت جاهای دیگر. در عمل بسیاری از سالنهای نمایشی ما خالی بود و بعضی از سالنهای نمایشی ما هم که پر بود، اگر اتفاقی در آن می‌افتاد تئاتر نبود بلکه بعضی جاها یک «شو» مانند و مردم صرفاً به خاطر این که هنرمندان را با ظاهر جدیدشان در صحنه ببینند به سراغ نمایش می‌رفتند تئاتر نمی‌دیدند، یک سری بازیگر و یک سری حرکات نمایشی و بعضی کارها البته همه کارها این گونه نبود و ممکن است در آینده هم این اتفاق بیفتد. در نتیجه بنظر من بعد از یک دوره شکوفائی، نمایش در جامعه ما یک مقدار دچار رکود شد نه فقط در تهران بلکه در شهرستانها هم اتفاق افتاد، ما فرضاً در بعضی از شهرستانها استعدادهای درخشانی هم داشتیم که به دلیل نداشتن امکانات کم کم رو به اضمحلال رفت و لذا با معضلات عمده و مشکلات عمده‌ای دست به گریبان گردید. اصلاً این مشکلات به مسئولین قبلی مرکز هنرهای نمایشی بر نمی‌گردد آنها تلاش خودشان را کردند که حداقل چراغ نمایش را روشن نگه دارند به نظر من با امکاناتی هم که در اختیار داشتند تا حدودی هم موفق شدند. مشکل از یک بینشی کلی در مورد هنر نمایش وجود داشت و خیلی چیزها را دچار بحران کرده بود به همین دلیل بود که سرفصل بودجه مشخصی درباره تئاتر نداریم. تشکیلات اداره تئاتر بسیار کوچک و بعضاً ناکارآمد شده بود سالنهای نمایشی در اختیار نهادهای غیر تئاتری قرار گرفته است و کل نظام تصدی‌گری تئاتر هم دچار مسأله شد. بنابراین وجود این مسائل کلی باعث شد که یک مقدار هنر نمایش دچار مشکل و معضل بشود. در دولت جدید چه شخص خود جناب آقای خاتمی و چه آقای مهاجرانی بینش بسیار مثبتی به هنر نمایش دارند. بنظر من تئاتر کار زیادی می‌برد به دلیل وجود مشکلات و معضلاتی که عرض کردم. شاید اگر ما در جشنواره فجر بتوانیم یک ترسیمی از اوضاع گذشته بکنیم و در یک آئینه تمام‌نما وضعیت فعلی را ببینیم، یعنی برگزیدگان جشنواره‌های ما بیایند برگزیدگان شهرستانهای ما بیایند تئاتری‌هایی که متن‌های پیشنهادی آنها بهتر از همه شناخته شده است بیایند و حرفه‌ای‌های ما هم بیایند، کارهای موجودشان را ارائه بدهند، ما می‌توانیم حداقل ببینیم که نیروهای موجود و استعدادهای

موجود به کجا رسیده‌اند توانشان در چه حد است تا چقدر می‌توانند و در کجا اجرا داشته باشند اینها سئوالاتی است که جشنواره فجر می‌تواند به ما جواب بدهد.

● ولی شما می‌بینید که بهرحال تئاتر را نمی‌شود فقط در یک شهر یا پایتخت نگاه داشت. شهرستانها حدود شش، هفت سال است که کم و بیش ارتباطاتشان با تئاتر مرکز محکم نیست اگر هم تئاتری می‌بینید یا در جشنواره است، آن هم اگر شانسی یاری کند و دعوت بشوند، یا باید تئاتر را از طریق سیمای جمهوری اسلامی ایران بیاموزند. راه دیگری ندارند. شما برای شهرستانها چه برنامه‌ای دارید؟

سلیمی - ببینید همانطور که گفتیم تئاتر در شهرستانها استعداد و پتانسیل بسیار بالایی دارد که این استعداد باید پرورش داده شود. بعد از پرورش این استعدادها باید امکانات به آنها داد تا خودشان را نشان بدهند تجربه کنند، خطا کنند، پیروزی بدست بیاورند و رشد بکنند. البته ما در صدد یکسری اصلاحات اساسی در سطح ساختار نمایشی کشور هستیم که بخش عمده آن به شهرستانها بر می‌گردد ولی تا موقعی که در آن کار موفق نشویم به دنبال چند کار هستیم. ما می‌خواهیم از اول هر سال یک برنامه آموزشی مشخص چه نظری و چه عملی برای گروههای نمایشی فعال شهرستانها برنامه ریزی کنیم و از مرکز به آنها سرویس بدهیم. به چند طریق: اعزام استادان و کارشناسان بطور مرتب و مستمر برای فعالیت آموزشی یکی از آنهاست که انشاءاله پیگیری خواهم کرد. دوم که شاید بشود نامش را آموزش عملی گذاشت به این شکل است که اگر ما موفق بشویم در تهران گروههای حرفه‌ای تشکیل بدهیم و از آنها پشتیبانی بکنیم. بسیاری از نیروهای شهرستانی را دعوت کنیم تا کنار گروههای حرفه‌ای قرار گیرند و شیوه‌های کار آنها را در عمل از آنها بیاموزند و بعد بروند شیوه آنها را ببرند در شهرستانهای خودشان بکار ببندند، خودشان را اصلاح بکنند. ما با بسیاری از گروههای حرفه‌ای در حال مذاکره هستیم که می‌توانیم اینها را اعزام کنیم به شهرستانها تا در شهرستانها اجرا داشته باشند. این برنامه ضمن اینکه مردم آنجا با گروههای تئاتری آشنا خواهند شد گروههای تئاتری نیز با آنها آشنا خواهند شد و می‌توانند در کنار اینها قرار بگیرند شیوه کار آنها را بیاموزند. در کنار این بتوانیم فعالیتهای انتشاراتی را گسترش بدهیم،



واقعاً خواست‌ام که در این موضوعاتی که به آنها نیاز داریم پروژه‌های مشخصی را تعریف کنیم و به طور جدی قراردادهایی را منعقد کنیم و دنبال آن برویم. فرض بفرمایید که ما نیازمند یک کار پژوهشی جدی هستیم که قواعد موجود در نمایش سنتی، آئینی ایران استخراج شود. قواعد بازیگری، قواعد روی صحنه، قواعد کارگردانی، که اینها یک کار عملی است و باید درست انجام شود. و محدود به چند پایان نامه لیسانس و فوق لیسانس دانشجویی نشود. بسیار عمیق‌تر و اصولی‌تر و با رعایت اصول علمی‌تر استخراج شود که بعد اگر بخواهد تحولی ایجاد شود، چه بخواهد با متدهای جدید با نیازهای جدید تطبیق داده شود، آن وقت امکانش وجود داشته باشد. مثلاً همین بحث تاریخ نمایش در ایران به نظر من می‌تواند پروژه بزرگ تحقیقاتی باشد، به صورت مجموعه کتاب چاپ شود که در تاریخ ایران باقی بماند. اگر این فعالیت انجام شود، و نتایج آن بیرون بیاید، بنده به عنوان یک فردی که در اصل متخصص علوم انسانی هستم هم مفید است. چون نتیجه این تحقیقات انجام شده فقط مورد استفاده تئاتری‌ها قرار نخواهد گرفت بلکه متخصص تاریخ ایران، متخصص فرهنگ ایران، ایران شناسان، به طوریکه حتی متخصص ادبیات ایران، متخصص جامعه شناس ایرانی و حتی به نوعی متخصصین علوم سیاسی بر اساس نظریات جمعی می‌توانند از این نظریات و از این طرح‌ها به خوبی استفاده کنند.

● شما با دانشگاه ارتباط برقرار نمی‌کنید؟
سلیمی - من عرض کردم که این ارتباطها می‌تواند از طریق پروژه‌ها برقرار شود. حال ما می‌توانیم با محققین یا دانشگاهها داشته باشیم. یا هر جایی که نیاز آن احساس شود.

● با تجربه‌ای که از دانشگاه داریم متأسفانه تجربه موفقی نبوده است. پایان نامه‌هایی که در زمینه نمایش هست این را نشان می‌دهد.

سلیمی - بله ممکن است پایان نامه‌ها عمق چندانی نداشته باشند ولی به هر حال بحث اصلی بر سر انجام شدن آن است شاید اگر انجام بشود بعد مدل‌های مناسبی برای دانشگاهها بشود. حتی شاید خود اینها تبدیل به "Text book" برای تدریس در دانشگاه شود.

● بله اینها فعالیت مستمری است که قبلاً هم انجام می‌شده است. حالا در زمینه کارهای دیگری که در مرکز هنرهای نمایشی داریم از جمله انتشارات برنامه به چه روش خواهد بود؟ آیا دفتر پژوهش‌های تئاتری فعال خواهد شد؟ یعنی رسمیت پیدا خواهد کرد؟

سلیمی - در زمینه انتشارات که ما فعالیت خود را آغاز کرده‌ایم فکر می‌کنم انتشارات نمایش اکنون رسمیت دارد مجله نمایش، و فصلنامه تئاتر به عنوان حاصل کار دفتر پژوهش‌های تئاتری که وجود خواهند داشت و ما با قوت از آن حمایت می‌کنیم، همچنین فعالیت‌های بنیادی و پژوهشی، که در تئاتر ایران انجام می‌شود، چه آن چیزهایی که در تئاتر جهان انجام می‌شود. و همچنین چاپ نمایشنامه‌های معروف و خوب ایرانی و خارجی بطور جدی مورد نظر ما است. انشاءالله با همت خود شما و امکاناتی که فراهم خواهد شد بطور جدی اقدام خواهد شد.

● ولی بحث پژوهشی برای من یک مسأله دیگری دارد. یعنی در ایران حقیقتاً نکته‌های تاریک تاریخ تئاتر ما خیلی زیاد است خود ما انواع تئاتر سنتی که داریم به درستی نمی‌شناسیم و تا یک مرکز منسجم تحقیقاتی نداشته باشیم پراکنده کار کردن روی اینها خوب است ولی کافی نیست. این پژوهشها باید از طریق یک مرکز دولتی به طور جدی پشتیبانی شود یا از طریق یک مرکز دانشگاهی یا اصلاً یک مرکز مستقل تشکیل شود. حالا از هر طریق که باشد این کار باید خیلی جدی‌تر از این که هست انجام شود.

سلیمی - البته من به اضافه شدن تشکیلات دولتی خیلی معتقد نیستم و من فکر نمی‌کنم که اگر بیاییم یک تشکیلاتی مثلاً یک ساختمان و چند کارمند اضافه کنیم برای پژوهش در زمینه تئاتر ایران خیلی موفق باشد. ولی معتقدم که باید حمایت جدی باشد. چگونه؟ مثلاً ما یک محقق برجسته را پیدا کنیم. در تمام دنیا هم این شیوه مرسوم است، ما می‌توانیم این نیازها و نکات تاریکی که شما عرض کردید را به عنوان پروژه‌های تحقیقاتی تعریف کنیم و از گروه‌های مختلف تحقیقاتی با قراردادهای مشخص بخواهیم که بروند و این پروژه‌ها را انجام دهند. مثلاً درباره تاریخ تئاتر عروسکی در ایران اگر این یک پروژه داشته باشد و به یک تیم تحقیقاتی مبرز داده شود و قراردادی بسته شود این خیلی زودتر عملی خواهد شد تا ما دنبال تاسیس مرکزی باشیم که چند نفر حقوق بگیر در آن وجود داشته باشند. من از شما و دوستان دیگر

مجله نمایش، فصلنامه تئاتر، و انتشار کتابهای بنیادی در عرصه تئاتر، و اینها را بطور مستمر به شهرستانها خواهیم فرستاد که آنها از نظر آموزش نظری هم کار کنند. علاوه بر اینها اگر بتوانیم کمک‌هائی برای آنها ارسال کنیم که در طول سال تولید مستمر داشته باشند و در جریان تولید کارشناسهائی بفرستیم، مشکلات و مسائل آنها را اصلاح بکنند مسلماً اثر خوبی خواهد داشت.

● ولی شما بهتر از من می‌دانید تئاتر هنری نیست که هنرمند کتاب بخواند و یاد بگیرد و فقط استادی برود و درس بدهد. چنانچه در سطح دانشگاه هم این تدریس‌ها موفق نیست. تئاتر را باید دید باید فضائی ایجاد کرد که همه چیز در آن بجوشد. آن فضا باید طوری خلایق را بر انگیزد. من فکر می‌کنم این کافی نیست. رفتن استاد و فرستادن کتاب، مجله، و تشویق بچه‌ها به کار بدون اینکه بطور مداوم بتوانند کار بهتر و کار بهتر ببینند یعنی به نوعی انگیزخته شوند کافی است.

فکر نمی‌کنید که برنامه‌های برگزیده‌ای که وجود دارد باید به شهرستانها برود؟ این جشنواره به طریقی در شهرستانها بچرخد؟
سلیمی - در مورد جشنواره فجر بدلیل گستردگی آن من فکر می‌کنم این امکان نیست. در رابطه با جشنواره‌های دیگر هم بررسی می‌کنیم شاید بشود. مثلاً جشنواره سنتی و آئینی را در شهرستان اجرا کنیم ولی جشنواره فجر با شناختی که الان از شهرستانها دارم مشکل است. ولی آن نکته‌ای که گفتید من عرض کردم کاملاً درست است. ما اکنون با بسیاری از گروه‌های حرفه‌ای در حال مذاکره هستیم که اینها بروند در شهرستانها اجرا داشته باشند و این اجراها باعث شود کنار اینها قرار بگیرند. حتی گفتیم که گروه‌های شهرستانی می‌توانند بیایند تهران در جریان تمرین قرار بگیرند. اجراهای مختلف را ببینند، ما حاضریم این زمینه را فراهم بکنیم حتی حاضریم که کارهای موفق ایرانی و خارجی را ویدیوئی تهیه و تکثیر کنیم و به شهرستانها بفرستیم. اینها فعالیت‌هایی است که در نظر داریم انشاءالله به انجام برسانیم.

● این کار احتمالاً یک کم مشکل داشته باشد. باید دوبله هم بکنیم و زمان می‌برد.

سلیمی - بهر حال این هم یک مشکلی است ولی از لحاظ نمایشهائی که در کشور خودمان اجرا می‌شود خوب است اگر ضبط ویدیوئی داشته باشیم و به موقع برود خوب است.



حلوا، حلوا، دهنم شیرین

داود فتحعلی بیگی

مثلی است مشهور که با حلوا حلوا گفتن دهن شیرین نمی‌شود. آرد و روغن و شیره لازمست تا حلوا پخته شود آنهم به‌دست کسی که راه و رسم پختن آن را می‌داند و الا آنچه که از ترکیب آن سه به‌عمل خواهد آمد معلوم نیست که قابل خوردن باشد چنانکه بارها دیده‌ایم.

حکایت‌نمایشنامه‌نویسی هم‌بی‌شباهت به‌این ضرب‌المثل نیست، صرف داشتن آرزوی نمایشنامه‌نویسی کافی نیست بلکه باید در فراهم آوردن شرایط و اسباب و لوازم آن کوشا بود.

یادم هست که در دوران جوانی، به‌وقتی‌که دانشجوی تئاتر بودم مثل بسیاری از علاقه‌مندان جوان عشق به‌نمایشنامه‌نویسی داشتم و تنها تلقی من از نمایشنامه، تنظیم و نگارش گفتگو بود غافل از آنکه صرف حرف زدن دو یا چند نفر نمی‌تواند نمایش باشد، چرا که هر گفتگویی نمایشی نیست و ارزش ثبت و

ضبط ندارد.

یک روز در عالم بی‌خبری نمایشی را که نوشته بودم به‌دست استاد (بهرام بیضائی) دادم تا بخواند و نظر خود را بگوید. یک روز هم بالای پله‌های ساختمان تئاتر دانشکده در حالی‌که استاد می‌خواست دانشکده را ترک کند نظرش را درباره نمایشم پرسیدم. فرمود: خیلی بد بود.

من که از چنان اظهارنظری جا خوردم و تصورم این بود که شاهکاری خلق کرده‌ام در نهایت افسردگی و بدحالی سؤال کردم چه باید بکنم؟ فرمود: آنقدر باید بنویسی و پاره کنی تا یاد بگیری. به‌عبارت دیگر سیاه مشق. همانگونه که برای نوشتن خط زیبا یا طرز نواختن ساز، مشق لازمست، برای نوشتن هم باید مشق کرد خواه مقاله باشد. خواه قصه یا نمایشنامه.

یک روز هم آن نمایش را بردم سر کلاس بنا به‌توصیه استاد «ممتون» بخوانم تا عیب و ایرادهای آن معلوم شود، از جمله چیزهایی که از ما حاصل گفتگوی آن جلسه به‌یاد دارم این بود که تعارفات و گفتگوهای روزمره اغلب به‌کار نوشتن نمایش نمی‌آید؛ به‌عبارت بهتر ایجاز در کلام لازمه نگارش است و الا هرکسی می‌تواند گفتوی چند نفر را ضبط و ثبت‌کند و داعیه نمایشنامه‌نویسی داشته باشد، چنانکه بعضی‌ها دارند و هیچکس هم قبولشان ندارد، زیرا صرف گفتگو نویسی که نمایشنامه نیست.



هر چند نمایشنامه را به‌صورت گفتگو می‌نویسند.

یک روز هم دیدم استاد در حاشیه ورقه امتحان «نمایش در ایران» مرقوم فرمود: مطلب را حدوداً می‌دانید اما به‌زبان فارسی مسلط نیستید (نقل به‌مضمون). من که در تهران بزرگ شده بودم و فارسی را مثل بلبل حرف می‌زدم از این تذکر استاد جا خوردم و در جلسه درس تحقیق که در محل کتابخانه گروه تئاتر تشکیل می‌شد به‌ایشان گفتم که به‌چه دلیل چنین نظری را روی ورقه امتحانی من داده‌اید؟ (البته نه به‌اعتراض بلکه از روی کنجکاو) فرمود ورقه امتحانت را بیاور. آوردم و جواب یکی از سؤالات را خواندم. فرمود جواب این سؤال را می‌توانستی در چهار سطر بنویسی حال آنکه تو در هفت سطر جواب گفته‌ای. باز چاره‌جویی کردم. با دست مبارک به‌قفسه کتابی که در پشت سرم بود اشاره کرد و گفت: آنجاست، کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار مثل شهد و شکر است. بخوان تا یاد بگیری و من شروع کردم به‌خواندن متون کلاسیک ادبیات فارسی. شاید بیش از یک سال طول کشید تا بفهم فارسی شکر است یعنی چه! □ ادامه دارد

محمود فرهنگ

نمایش میدانی

نمایش میدانی نوعی از نمایش است که به‌راحتی می‌تواند با تماشاگر ارتباط برقرار نماید. نمایش مردمی است و در کنار مردم و در جایی که باورش‌شان نمی‌شود برای آنها اجراء می‌گردد. نمایش که می‌تواند در مورد همه موضوعات کوچک و بزرگ و مطالب مهم حرف داشته باشد نمایشی که باعث می‌شود فاصله بین تماشاگر و تئاتر بسیار کم شود.

یک گروه می‌تواند با توجه به‌اصولی که در اختیار دارد نوعی از نمایش را در فضایی که محل عبور مردم عادی بوده و حتی در یک پارک و سرچهارراه اجراء نماید تماشاگر این نمایش‌ها مختار است بماند و یا برود بستگی به‌کشش نمایش، موضوع و زمان آن دارد.

هرچند پیدایش این نوع نمایش‌ها در جهان پس از جنگ جهانی بوده و گاهی نام نمایش اعتراض را هم از آن خود کرده، در هر حال در

ایران این پدیده امروزه زنده است و حالا می‌خواهد و قرار است جایی در تئاتر داشته باشد. در جهان به‌دلیل ویژگی‌های خوب این نوع نمایش از جنبه‌های سیاسی آن بهره گرفته می‌شود اما با توجه به‌اینکه می‌توان از ریشه‌های نمایش ایرانی و شکل‌های دیگر نمایش مثل تعزیه، یا انواع معرکه‌گیری و نمایش‌های سنتی به‌خوبی بهره گرفت و این بهره‌گیری درست می‌تواند پایه‌های خوب و درستی از شیوه‌های نمایش خیابانی را شکل دهد. چون نمایش خیابانی یا میدانی می‌تواند از کمترین امکانات بهره‌درست و مفید را بگیرد.

از بداهه‌سازی و شکل‌های نمایش سنتی و شیوه بازی و حتی شخصیت‌ها و بی‌پروا بودن سیاه می‌تواند نوعی نمایش میدانی را شکل دهد که با قصه‌ای جذاب و پویایی ارتباط خوبی با تماشاگر کوچک و بازار برقرار کند. در هر حال

می‌توان از این نمایش میدانی به‌نحو خوبی در راه‌های مختلف بهره گرفت از جمله آموزش، تربیت، هشدار، آگاهی، شناخت، سرگرمی، ارائه پیام و... هزاران موضوع دیگر.

هر چند تئاتر میدانی نوپاست اما با حرکت‌های اخیر نشان داد که می‌تواند قابلیت‌های بسیاری را در خود داشته باشد و وقتی ۲۰۰۰ اجرا می‌تواند طی ۱۰۰ روز تماشاگر قابل‌توجهی را جذب نماید و حتی تماشاگر تئاتر تربیت نماید. این سرمایه بزرگی برای تئاتر مملکت خواهد شد.

در این راه دشوار که تماشاگر کوچک و بازار برای اولین بار با پدیده تئاتر میدانی روبرو می‌شود در ابتداء برایش خیلی جدی نیست که در پارک کنارش نمایش برپا شود و از شاهنامه بگوید یا از مشکلات جوانان یا راجع به‌یک مشکل اجتماعی یا موضوعی آموزشی برای کودکان



کارهایی

که باید بشود

یادداشتی از «حسین پاکدل» رئیس تئاتر شهر

تئاتر شهر چندی است که تحولات تازه‌ای را تجربه می‌کند که کم و بیش از آن مطلع هستید. یکی از این کارهای جدید انتشار خبرنامه تئاتر شهر است. که انشاءالله بعد از جشنواره شاهد آن خواهید بود. یادداشتی را که می‌خوانید آقای حسین پاکدل رئیس تئاتر شهر برای نخستین شماره خبرنامه نوشته بود که از سوی روابط عمومی تئاتر شهر در اختیار نشریه روزانه جشنواره شانزدهم قرار گرفت.

هوالحق

اینکه جایگاه تئاتر در ملک ما کجاست و چه بوده و چه باید باشد بگذارید اهالی تئاتر سخن بگویند. ولی برای ما یک چیز مسلم است که باید مکانی درخور فراهم باشد تا تئاتری اجرا شود و کسانی گرد هم آیند و به تماشا بنشینند، خوب! اما فقط مکان و سن و صحنه کافی است؟! باید کارهایی شود. مثلاً...

۱- یک بولتن داخلی مثل آنچه پیش‌رو دارید مرتب خبرها و اتفاقات تئاتر را در این مکان به اطلاع مخاطبانش برساند... خوب این یکی از آن کارها...

۲- بنای تئاتر شهر، باید از بن تا بام بازسازی شود... که دارد می‌شود.

۳- تجهیزات و تأسیسات تئاتر شهر باید مجهز، تعمیر و تجهیز شود... آرام آرام دارد می‌شود. آنهم در دو مرحله... آنچه موجود است و آنچه که باید باشد، بی‌نقص و به روز. فاصله اکنون ما با آنچه تجهیزات تئاتری در کشورهای صاحب تئاتر دارد... فقط یک ثانیه نوری است.

۴- فعلاً سه سالن کار می‌کند. اصلی،

چهارسو، و شماره ۲... آنهم نیم‌بند. هر سه باید به بهترین شکل بازسازی شود... و سالن قشقائی نیز. هرچه زودتر، خوب تا آن زمان... عرق شرم و خجالت از تماشاگران و هنرمندان بر سر و روی ماست.

۵- مکانهای تمرین... حدیثی دیگر دارد و باید فراهم آید. بهتر از اکنون.

۶- هم هنرمندان اجراکننده، هم عوامل تئاتر شهر، هم تماشاگران، بسیار جدی‌تر به تئاتر بنگرند... خوب این راه دارد... خواهید دید!

۷- تماشاگر، آرام آرام خواهد فهمید که طی یک مراسم دارد به تئاتر می‌آید. کافی است به او احترام بگذاریم.

۸- نشست‌های تئوریک، گفت و شنودها، جلسات نقد و بررسی با حضور کارشناسان داخلی و خارجی.

۹- در یک سالن هفته‌ای یک مرتبه جلسه نمایش ویدئویی یک اثر مهم تئاتر برگزار خواهد شد و علاقمندان و هنرجویان تئاتر در حضور یک کارشناس به بحث و گفتگو خواهند نشست و بحث‌ها چاپ خواهد شد.

۱۰- همه هفته یک جلسه روخوانی یک اثر جاودانه برگزار خواهد شد، و با حضور کارشناسان تحلیل خواهد شد.

۱۱- دانشجویان برگزیده تئاتر بعد از این راهنما و میزبان تماشاگران خواهند شد.

۱۲- در سالن اصلی و چهارسوفه ط کارهای حرفه‌ای... در سالن شماره ۲ کارهای حرفه‌ای - کارگاهی و در سالن قشقائی کارهای سنتی آئینی برگزار می‌شود. یک کارگاه تجریدی هم دایر خواهد شد.

۱۳- در صدیدیم حصار دور ساختمان را بکشیم و این بنای ملی را از گزند ناملایمات اطرافش نجات دهیم و نورش را باز گردانیم.

۱۴- به خود و هنرمندان و گروههای

نمایشی و تماشاگران گوشزد خواهیم کرد این مکان بسیار مقدس و شریف است، پس حفظش کنیم... فقط شعار ندهیم.

۱۵- جدول اجراهای یکسال از پیش اعلام خواهد شد و کسانی می‌توانند کارت اشتراک ورود سالانه تهیه کنند... خوب البته با قیمتی پائین‌تر.

۱۶- اجراهایی خارج از عرف گذشته با قیمتی پائین‌تر خواهیم داشت... تئاتر که فقط اختصاص به شب ندارد.

۱۷- اولویت در این مکان با تئاتر است... هر فعالیتی جدای از تئاتر در درجه سوم و چهارم است.

۱۸- منظم خواهیم بود تا بتوانیم از گروههای تمرین، نمایش و میهمان و تماشاگر خواهیم منظم و مرتب باشیم.

۱۹- سالن انتظار چهارسو بازسازی شود تا بشود بطور دائم نمایشگاهی از عکس و بروشور و پوستر و اسناد تئاتر در آن برگزار کرد.

۲۰- قرار است از پایان نامه‌های دانشجویی که بنوعی به تئاتر مربوط است حمایت شود.

۲۱- جهت ماندگاری آثار نمایشی سعی می‌شود همه اجراها ضبط تلویزیونی شود هم برای آرشیو و هم برای عرضه بهترین‌ها از طریق مؤسسه رسانه‌های تصویری.

۲۲- تاکنون موسیقی تئاتر جدی گرفته نشده، خوب! بهتر است از این پس موسیقی بصورت کاست انتشار یابد. به یاری خدا اولینش در راه است منتظر باشید!

۲۳- با ورود رایانه به تئاتر شهر، کل اطلاعات مربوط به کارگردان، نمایشنامه‌نویسان بازیگران، عوامل نمایش و نمایشهای اجرا شده از آغاز تاکنون جمع‌آوری و عرضه می‌شود. بالاخره تئاتر این ملک شناسنامه و سابقه‌ای دارد، پس کو؟!

۲۴- می‌ماند مسابقه، چگونه؟

۲۵- هر نمایش حرفه‌ای که اجرا شد، تمامی اطلاعات مربوطه به آن، نقد و نظرها و متن آن بصورت یک کتاب عرضه خواهد شد.

۲۶- و هزاران کار دیگر که اگر خدا قوت بدهد، مثل آب خوردن عملی است!

دست هرکس را که در این راه یاور ما باشد به گرمی می‌فشاریم با سپاس.



جدول برگزاری جلسات نقد و بررسی

ردیف	نام نمایش	منتقدان	روز و تاریخ	ساعت
۱	آن سوی آینه	همایون علی آبادی، فرشید ابراهیمیان، مهرداد رایانی مخصوص	۷۶/۱۱/۱۸	۹ تا ۱۲
۲	لازاروس	همایون علی آبادی، فرشید ابراهیمیان، مهرداد رایانی مخصوص	۷۶/۱۱/۱۹	۹ تا ۱۱
۳	آمیز قلمدون	همایون علی آبادی، فرشید ابراهیمیان، مهرداد رایانی مخصوص	۷۶/۱۱/۲۰	۹ تا ۱۲
۴	عاشق کشون	همایون علی آبادی، فرشید ابراهیمیان، حسن فتحی	۷۶/۱۱/۲۱	۹ تا ۱۲
۵	کنار شیر آتشنشانی	همایون علی آبادی، فرشید ابراهیمیان، لاله تقیان	۷۶/۱۱/۲۲	۱۳ تا ۱۶
۶	دژ هوش ربا	همایون علی آبادی، فرشید ابراهیمیان، لاله تقیان، حسن فتحی	۷۶/۱۱/۲۳	۱۳ تا ۱۶
۷	اینم از این	همایون علی آبادی، فرشید ابراهیمیان، لاله تقیان، حسن فتحی	۷۶/۱۱/۲۳	۱۳ تا ۱۶
۸	یک روزگار خاطرانگیز	همایون علی آبادی، فرشید ابراهیمیان، لاله تقیان	۷۶/۱۱/۲۵	۱۳ تا ۱۶
۹	بندار بیدخش	همایون علی آبادی، فرشید ابراهیمیان، حسن فتحی	۷۶/۱۱/۲۶	۹ تا ۱۲
۱۰	صبرا و شتیلا	همایون علی آبادی، فرشید ابراهیمیان، حسن فتحی، لاله تقیان	۷۶/۱۱/۲۷	۹ تا ۱۲
۱۱	روز از نو	همایون علی آبادی، فرشید ابراهیمیان	۷۶/۱۱/۲۷	۹ تا ۱۲

نشست‌های نقد و بررسی کانون ملی منتقدان تئاتر

نمایش‌های بخش ویژه شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر از سوی کانون ملی منتقدان تئاتر جمهوری اسلامی ایران وابسته به کانون جهانی منتقدان (A.I.C.T) نقد و بررسی می‌شود.

هیأت مدیره کانون ملی منتقدان تئاتر اسامی منتقدان و کارشناسان میهمان این نشست‌ها را به شرح زیر اعلام کرد: آقایان همایون علی آبادی، فرید ابراهیمیان، مهرداد رایانی مخصوص، حسن فتحی و خانم لاله تقیان.

این نشست‌ها همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۲ صبح در تالار رودکی برگزار می‌شود و مسئول برگزاری نقد و بررسی نصرالله قادری است.

کانون ملی منتقدان تئاتر برگزیدگان خود را در دو بخش ویژه و مسابقه شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر معرفی می‌کند.

کانون ملی منتقدان تئاتر جمهوری اسلامی وابسته به کانون جهانی منتقدان تئاتر (A.I.C.T) اعضای هیأت داوران خود را برای داوری بخش‌های ویژه و مسابقه شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر معرفی کرد. هیأت مدیره کانون ملی منتقدان تئاتر در آخرین نشست خود اعضای هیأت داوران خود را به شرح زیر معرفی کرد:

الف - هیأت داوران بخش ویژه:

- ۱- نصرالله قادری ۲- حسین فرخی
 - ۳- محمود گبرلو
- ب - هیأت داوران بخش مسابقه:
- ۱- چیستا یثربی ۲- مهرداد رایانی مخصوص ۳- رحمت امینی

روابط عمومی کانون ملی منتقدان تئاتر ایران

برنامه امروز جشنواره

تئاتر شهر - سالن اصلی، ساعت ۱۹، بخش ویژه، «آن سوی آینه»، کار «آزیتا حاجیان» از تهران
 سالن چهارسو - ساعت ۱۸، بخش ویژه، «لازاروس»، کار «سیروس ابراهیمزاده» از تهران
 سالن شماره ۲ - ساعت ۱۸ و ۲۰، بخش میهمان، «بانو آتویی»، کار «بهرام بیضایی» از تهران
 سالن قشقایی - ساعت ۱۶/۳۰ و ۱۸/۳۰، بخش سنتی و آئینی «نقالی»، کار «مرشد ترابی» از تهران
 تالار مولوی - ساعت ۱۶ و ۱۸، بخش مسابقه، «بازی هفتم»، کار «شبمن طلوعی»، از تهران
 تالار سنگلج - ساعت ۱۷/۳۰ و ۱۹/۳۰، بخش مسابقه، «در نیم‌پرده عشق»، کار «عبدالخالق مصدق» از تهران
 تالار هنر - ساعت ۱۹ و ۲۰، بخش مسابقه، «پنجره‌های بر بربادها» کار «شعبان علیجان‌پور» از آمل
 تالار حرکت - ساعت ۱۸ و ۲۰، برگزیده جشنواره عشایری، «قشلاق آخر»، کار «...قلی نظری» از گرگان
 تالار محراب - ساعت ۱۷ و ۱۹، برگزیده جشنواره منطقه‌ای، «عروسی و مرگ»، کار «هواس پلوک» از کرمانشاه
 تالار فارابی - ساعت ۱۵/۳۰ و ۱۷/۳۰، بخش جوان، «یک پیراهن و یک ویولن»، از دانشگاه آزاد اسلامی اراک
 مجموعه آزادی - ساعت ۱۷ و ۱۹، بخش مسابقه، «هجوم»، کار «علی رضایی» از میناب
 فرهنگسرای نیاوران - ساعت ۱۷ و ۱۹، بخش مسابقه، «لرزه‌های بی‌زمان»، کار «محمدرضا بی‌گناه» از تهران
 محل اقامت هنرمندان - ساعت ۲۱ تا ۲۲، تحلیل و سخنرانی، «دکتر پروانه مژده»

نمایش

ویژه شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر
 زیر نظر لاله تقیان
 مدیر داخلی مریم آقائی
 مدیر هنری حجت ترصدی
 حروفچینی شهناز یوسفی، فاطمه شفیعی
 مسعود عباسی
 مسئول روابط عمومی فاطمه کباریان
 عکس حجت ترصدی، اختر تاجیک

توجه!

تغییر جدول برنامه‌های جشنواره

نمایش «زمستان ۶۶» نوشته و کار محمد یعقوبی از بخش مسابقه در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن در سالن چهارسو بر صحنه خواهد رفت. و نمایش «کنار میز آتش‌نشانی» نوشته و کار فرهاد ناظرزاده کرمانی از بخش ویژه در روزهای ۲۵ و ۲۶ بهمن ماه در سالن اصلی تئاتر شهر اجرا خواهد شد.